



کودک فعال، یادگیری فعال

روش آموزشی «های-اسکوپ» با تأکید بر اندیشه‌های پیازه

شیرین بربن



کلیدوازه‌ها: الگوهای اسکوپ، پیازه، مراحل رشد

ژان پیازه، از برجسته‌ترین روان‌شناسان قرن بیستم، به چهار مرحله در رشد شناختی قائل است:

اول: مرحله حسی - حرکتی که از زمان تولد تا دو سالگی را شامل می‌شود. در این مرحله حواس و حرکت کودک بنیان رشد وی می‌شود و کودک رابطه میان اعمال خود و پیامدهای آن‌ها را کشف می‌کند و مفاهیمی چون شیء، فضاء، زمان و علیت را در می‌یابد.

دوم: مرحله پیش‌عملیاتی که از دو تا هفت سالگی کودک را شامل می‌شود. در این مرحله، زبان، تجسم، ارتباط‌گیری گستردگی دیگران و تفکر نمادین پدیدار می‌شود و کودک این توانایی را می‌یابد که میان اشیاء و حواس خود تمایز قائل شود. از نظر پیازه، کودک در این دوره در حال ورود به سطحی از منطق و استدلال ابتدایی است و می‌تواند به حال، آینده و گذشته بیندیشید و برخی از مفاهیم و کمیت‌ها را نیز به خاطر بسپارد.

سوم: مرحله عملیاتی است و کودک هفت تا یازده ساله می‌تواند به مفهومی از منطق دست یابد، قوانین را کشف کند و رابطه‌های مستدلی را به وجود آورد که پایدار باشند. همچنین، کودک در این دوره می‌تواند هر شیء یا رویدادی را از جنبه‌ها و سطوح مختلف مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار دهد.

چهارم: کودک از ۱۲ سالگی به بعد وارد مرحله انتزاعی می‌شود و علاوه بر تلاش برای هماهنگ کردن خود با محیط پیرامون، کودک می‌کوشد محیط پیرامون را نیز با خود هماهنگ کند. در این دوره، تفکر فرد از قلمرو واقعیات عینی و محسوس فاصله می‌گیرد و به قلمرو انتزاعیات وارد می‌شود.

از نظر پیازه هر کودکی این مراحل را به شیوه خاص خود طی می‌کند و در امر آموزش ضروری است که کودکان در مسیری قرار بگیرند که بتوانند این مراحل را به طور کامل سپری کنند. نکته دیگر در این دیدگاه این است که نمی‌توان هر چیزی را در هر سنی به کودکان آموخت و برای مثال، نمی‌توان به کودکی سه‌ساله یاد داد و توقع داشت که مانند کودکی هشت‌ساله منطقی فکر کند.



در لغت، های-اسکوپ به معنای بالاترین نقطه توجه یا بالاترین هدف است. اما معنای آموزشی این عبارت رویکرد یادگیری فعال و پویا است که طی آن کودکان به طور مستقیم با افراد، اشیاء، حوادث، عقاید و وسائل مختلف مواجه می‌شوند و شخصاً آن‌ها را تجربه می‌کنند. در روش آموزشی‌های-اسکوپ، علاقه و انتخاب کودکان در رأس هرم قرار دارد.

این نظام آموزشی بر مبنای چهار اصل مهم قرار دارد:

۱. کار مستقیم با اشیاء پیرامون. این ابزارهای آموزشی صرفاً به وسائل موجود در الگوهای آموزشی **مونته‌سوری** محدود نمی‌شود و می‌تواند هر چیزی باشد که پیرامون کودک هست. این مواجهه مستقیم فقط به اشیاء محدود نمی‌شود و تجربه‌های گوناگون از مواجهه با همه امور در زندگی رانیز در بر می‌گیرد.
۲. بازتاب فعالیت‌ها. در این نظام آموزشی، علاوه بر اهمیت مواجهه مستقیم کودک با پدیده‌ها، مسیری نیز که کودک طی می‌کند تا از مقدمات و پرسش‌های ذهنی به نتایج و پاسخ‌ها برسد، اهمیت دارد.

.۳

خلاقیت.

روان‌شناسی تحولی

بر این اصل تأکید بسیار دارد و براساس خلاقیت، کودک به وارسی، دست زدن و آزمایش پیرامون خود می‌پردازد و به سطحی از ابتکار و نوآوری دست می‌یابد.

۴. حل مسئله. اصل بنیادین دیگری است که نظریه‌پردازان

نظام آموزشی‌های اسکوپ بر آن تأکید بسیار دارند. بنابراین، از آنجا که کودکان در زندگی با مسائل گوناگونی برخورد می‌کنند، لازم است تا فرآیند هماهنگ شدن با مسایل و حل آن‌ها به نحوی باشد که درنهایت کودک چیزهای جدیدی را یاد بگیرد؛ چراکه درواقع در این

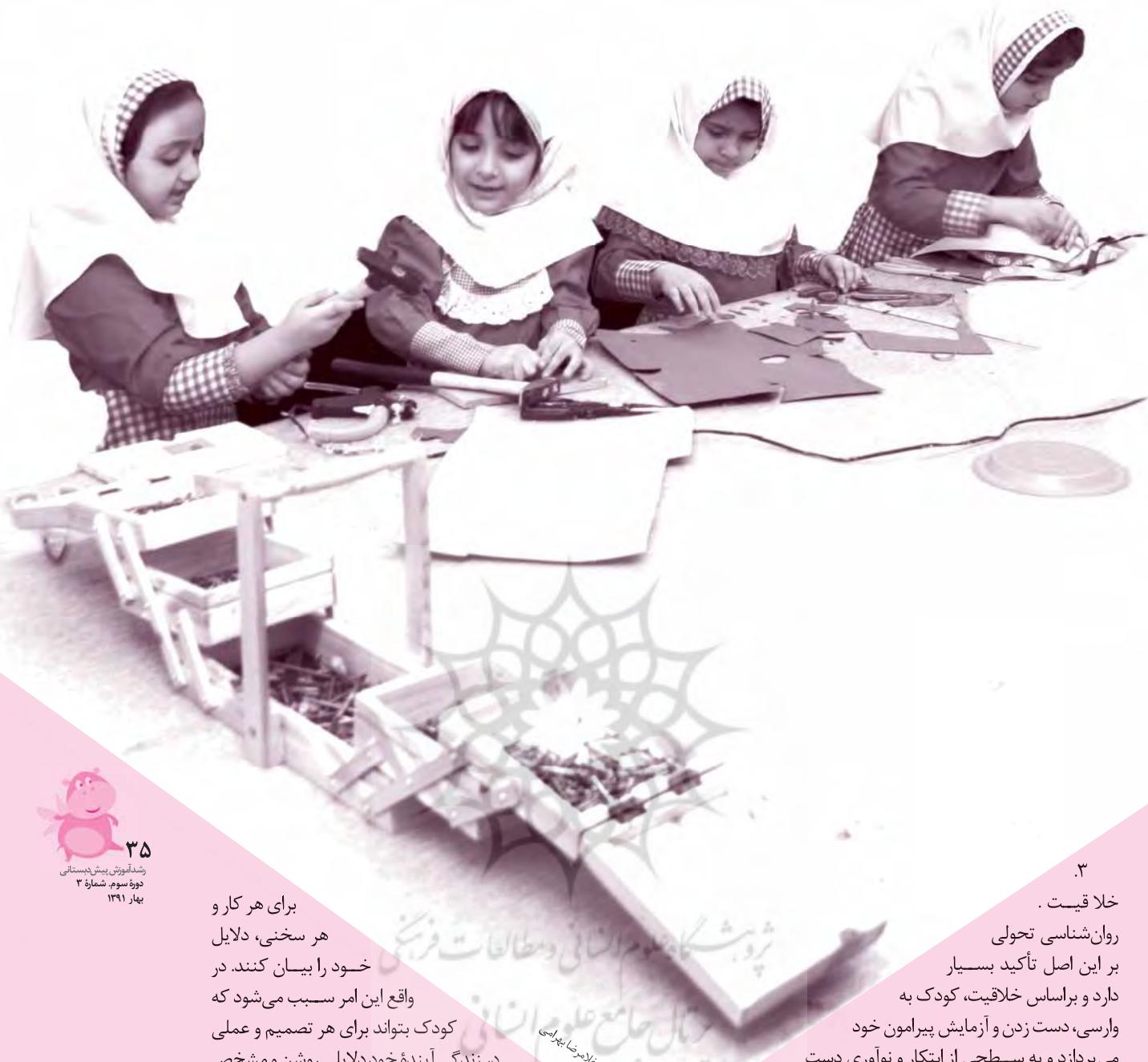
نظام آموزشی حل مسئله بخشی از فرآیند آموزشی است.

در این نظام آموزشی حفظ کردن مفاهیم اهمیت‌ندارد بلکه باید برای پایه‌ریزی نظام فکری، استدلال، منطق و رشد عقلاتی کودک زمینه‌ای فراهم شود. به همین دلیل است که مربیان از کودکان می‌خواهند تا

برای هر کار و هر سخنی، دلایل خود را بیان کنند. در واقع این امر سبب می‌شود که کودک بتواند برای هر تصمیم و عملی در زندگی آینده خود دلایلی روش و مشخص داشته باشد.

اساس درس‌ها در مدارس نظام آموزشی‌های اسکوپ، ایجاد اعتماد به نفس و ارتقای شایستگی‌های کودک در زندگی فردی و اجتماعی است، به طوری که فرد بتواند در تمامی ساعات زندگی خود به نحو عملی از آموزش‌هایی که دیده است، بهره ببرد و از آن‌ها استفاده کند.

این شیوه آموزشی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از روش‌های دیگر متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگی‌ها توالی و استمرار برنامه‌های اجرایی روزانه است. دانشمندان معتقدند برنامه‌ریزی و اصرار در مرور مجدد برنامه و طرح‌های اجرائشده در امر یادگیری مؤلفه‌هایی





۳۶

رشدآموزش پیش‌دبستانی
دوره سوم، شماره ۳
بهار ۱۳۹۰



۳

خواندن
(زبان، ادبیات،

شعر، قصه و...)

۴. ریاضیات (اعداد،

طبقه‌بندی، مرتب کردن، حجم،

زمان، رسم و...)

به عبارتی، نظام آموزشی های -

اسکوپ بر حوزه‌های آموزشی گوناگون مرتبط

با آموزش کودکان تأکید می کند که عبارتند

از نمایش خلاق، زیان آموزی و سوادآموزی، ابتکار

عمل و روابط اجتماعی، حرکت، موسیقی، طبقه‌بندی،

مجموعه‌سازی، عدد، فضای زمان.

توجه به مؤلفه‌های بالا در تدوین برنامه‌های آموزشی در کنار

ویژگی‌های دیگر این روش باعث می شود کودکان نه تنها از درس و

حتی مطالب نه چندان دلخواه (مثلًا ریاضی) گریزان نباشند، بلکه با

هیجان و اشتیاهی آموزشی ویژه به دنبال یادگیری باشند و در واقع، در

این شیوه آموزشی کلاس ریاضی با کلاس قصه‌گویی یا نقاشی تفاوت

چندانی ندارد و همگی برای کودکان جذاب و متنوع هستند و این

یادگیری رامانا و عمیق تر می کند.

اهداف شیوه آموزشی های - اسکوپ

این شیوه آموزشی رویکردی آموزشی - مفهومی است که تلاش

دارد کودکان در همه ابعاد رشد مثل علمی، اخلاقی، اجتماعی، روانی،

فرهنگی، جسمی و ... رشد کنند.

در واقع، نوع و ساختار این رویکرد بر مبنای آموزش همه‌جانبه

طراحی شده است و در آموزش به همه ابعاد توجه شده است و

مهم

هستند که

توجه به آن‌ها در برنامه

روزانه در پیشرفت کودکان خیلی مؤثر

است. چون کودکان با نقاط ضعف و قوت خود آشنا

می‌شوند و به اصطلاح فایل‌های ناقص یادگیری آنان بازسازی می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های این شیوه آموزشی وجود بیش از ۶۰ تجربه کلیدی

در آموزش پیش‌دبستانی است که در این روش به آن‌ها توجه بنیادی

شده است که به کارگیری آن‌ها در تدوین محتوای برنامه‌های آموزشی

نقش کلیدی و تأثیرگذار دارد.

این تجرب که به ابعاد اجتماعی، معنوی، جسمی، روانی و عاطفی

طرح‌ها و برنامه توجه دارند، در رشد سواد اطلاعاتی کودکان نقش

مهمی ایفا می‌کنند و رمز رشد مطلوب و آرمانی آن‌ها محسوب

می‌شوند.

این تجرب کلیدی در ۴ گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. توسعه اجتماعی و رفتاری (ارتباط اجتماعی، ارتباط اولیه،

برخورد با ناملایمات و...)

۲. هنرهای تجسمی (تفکر خلاق، حرکت، موسیقی، طراحی،

نقاشی و ...)



با برجسته کردن آن‌ها روحیه و اعتماد به نفس کودکان را بالاتر ببرد.
مربی از راههای مختلف با کودکان ارتباط برقرار می‌کند و آن‌ها را در اجرای عقاید و طرح‌هایشان کمک می‌کند و به آن‌ها در رفع مشکلات شان باری می‌رساند.

معلم به جای نظارت بر فعالیت‌های کودکان، در برنامه‌هایشان شریک می‌شود و نقش یک همکار یا همکلاسی و گاهی یک همبازی را یافته‌می‌کند. مربیان این کلاس‌های دیدگاه کودکان احترام می‌گذارند و به برنامه‌های ابتکاری، حس استقلال طلبی، خلاقیت و نوآوری‌های آنان توجه می‌کنند و به توسعه ذهنی هدفدار آن‌ها کمک می‌کنند.
در این شیوه، مربی با تنظیم یک برنامه روزانه مشخص، علاوه بر نظارت بر فعالیت‌های کودکان، باعث می‌شود تا کودکان برنامه‌های بعدی را حدس بزنند.

در نظام آموزشی‌های -اسکوپ مربی بیش و پیش از هر چیز با مشاهده دقیق رفتارهای کودک، فرصت بیشتری را برای فعالیت وی فراهم می‌کند. این مربی همواره می‌کوشد که با درک کودک و رفتار وی در تمام مراحل کار از وی حمایت کند و به حرف‌ها، تفکر، خواسته‌ها و مسایل کودک گوش دهد و در نهایت وی را در فعالیت همراهی کند.

در این نظام آموزشی، مربیان به منظور ارزیابی روند حرکت و رشد کودکان به جای استفاده از روش‌های کمی، از مشاهده دقیق و دائمی کمک می‌گیرند.

ذکر این نکته ضروری است که اگر مربیان به خوبی با رویکردهای این شیوه آشنا باشند و خوب آموزش دیده باشند، قادر خواهند بود علاوه بر طراحی برنامه‌ها و به کارگیری ایده‌های جدید، کودکان را نیز خلاق و پویا بازیابی‌ورنده و دانش طراحی برنامه و ایده‌پردازی را در آن‌ها تقویت کنند.

از آن‌جا که این شیوه با روحیات بیشتر کودکان عادی و تیزه‌وش سازگاری دارد و کودکان معمولاً فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که دوست دارند، یادگیری در آن به صورت بسیار عمیق و کاربردی‌تر اتفاق می‌افتد و اثر این مانندگاری در بزرگسالی همیشه خواهد شد.
در این روش، کودکان با روحیه، انگیزه، اعتماد به نفس و دارای استقلال رأی اپرورش می‌یابند و در مواجهه با مشکلات قادر خواهند بود به مدیریت درونی افکار خود پردازند

یادگیری صرف مدنظر نیست.

برخی از اهداف شیوه آموزشی‌های-

- اسکوپ به شرح زیر است:
 ۱. یادگیری از طریق تعامل و درگیری فعال با اطرافیان، مواد، حوادث و عقاید؛
 ۲. ایجاد استقلال، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس در کودکان و آماده‌سازی برای ورود به مدرسه و جامعه؛
 ۳. آموزش طراحی برنامه‌های مختلف توسط کودکان و اجرای مستقل آن‌ها؛
 ۴. کسب دانش و مهارت به صورت آکادمیک، اجتماعی و کاربردی به وسیله آموزش‌های غیرآکادمیک.

از دیگر ویژگی‌های این روش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- این شیوه برای کودکان خوشایند و مطلوب است.
- برای همه کودکان از هر خانواده و موقعیت اجتماعی، فرصت و امکانات یکسان و وسایل کافی وجود دارد.
- به کودکان اجازه داده می‌شود تا به طور مستقل از وسایل استفاده کنند
- کودکان بازی‌های مختلف ذهنی و حرکتی را تجربه می‌کنند.
- کودکان اجازه دارند به هر جای کلاس که می‌خواهند بروند.
- کودکان اجازه دارند جای وسایل خود را در کلاس تغییر دهند.
- کودکان برنامه‌های دلخواه خود را اجرامی کنند.
- کودکان به معلم به عنوان یک همکار یا همکلاسی بزرگ‌تر نگاه می‌کنند
- مفاهیم مختلف در قالب بازی به کودکان آموزش داده می‌شود.

نقش مربیان و بزرگ‌ترهای دارشیوه آموزشی‌های -اسکوپ:

در این شیوه آموزشی، معلمان نیز به اندازه کودکان فعل و پویا هستند. روش‌های -اسکوپ یک آموزش با بازخوردهای متقابل است. در این نوع آموزش همه مؤلفه‌های مراحل یاددهی - یادگیری دو طرفه صورت می‌گیرد.

راهنمایی، پیروی، صحبت کردن، گوش کردن، یاد دادن، یاد گرفتن و مؤلفه‌های آموزشی و روانی بازخوری دو سویه دارند. این روابط ممکن است به صورت رابطه‌های دانش آموز - دانش آموز، دانش آموز - مربی یا دانش آموز - والدین باشد.

درواقع، در این نظام تمام ظرفیت‌های یاددهی - یادگیری به منظور بهره‌گیری از آن‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و این شیوه آموزشی نظمی مוואزی است که همه‌چیز در یک سطح قرار می‌گیرد و یک فرد متكلّم وحده و راهبر گروه نیست.

در این شیوه مربی هدایت مشارکتی را سرلوحة کار خود قرار می‌دهد، بر نقاط قوت کودکان بیشتر تمرکز می‌کند و سعی می‌کند

منابع

1. <http://myarticle.blogsky.com/1388/11/02/post-2>
2. <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1254825>
3. www.high-scope.org.uk
4. www.perpetualpreschool.com
5. Vertical Thought magazine
6. Education Journal